

# یادداشت / استراتژی صنعتی؛ حلقه ی گم شده ی صنعت آذربایجان

این روزها هر نماینده و وکیل، وزیر و کارگر و مهندس به خوبی می توانند اوضاع جامعه ی کنونی را نقد و تحلیل کرده و دسته و گروهی را متهم سازند. چه بسا که همه ی این ادعاها و نقدها نیز قرین به صحت بوده و نشانگر تصمیم گیری های غلط مدیران گذشته و رفتار های انفعالی ما و پدران ما بوده باشد.



به گزارش اعتدال پرس، چنین وضعیت انتقادی هر چند از روحیه آرمانخواهی و اصلاحی مردم نشأت می گیرد اما درنهایت منبعت از نبود برنامه و به قول کارشناسان علم مدیریت از « نبود استراتژی» است. اگر امروز صنعت ما دچار بحران های لاعلاج شده اگر هنجارهای اجتماعی در جامعه ی ایرانی به تهدیدی برای بنیان خانواده ها مبدل شده همه حاکی از آن است که متأسفانه چه در گذشته و چه در حال حاضر مدیریت های کلان جامعه، استراتژی شفاف و مدون و ثابتی برای برخورد با این قضایا نداشته اند و با تصمیمات سلیقه ای و یک شبه، ساختار جامعه ی ایرانی را به بحران های بزرگ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی پیوند زده اند.

استراتژی یعنی شناخت آینده و برنامه ریزی برای آن، مجموعه تصمیم هایی که با توجه به شرایط گرفته می شوند مجموعه تصمیم ها و اقدامات مدیریتی که عملکرد بلند مدت یک سازمان را تعیین می کند. یعنی تحلیل فرصت ها و مشکلات با نگاهی راهبردی و دوراندیشانه و درک و بررسی تاثیر بالقوه ای که اعمال و اقدام ها می تواند بر یکدیگر داشته باشد. بر اساس تعریف ارائه شده چند درصد از تصمیم گیری های خرد و کلان ما تابعی از این تعریف بوده است؟  
چندی پیش رضا رحمانی نماینده تبریز و رییس کمیسیون صنایع و معادن

مجلس آماری را منتشر کرد که دل هر ایرانی و آذربایجانی عاشق وطن را به درد آورد.

آمارهایی که به قول ایشان نه از فقر منابع و ضعف استعداد ها که از مدیریت های ناپایدار، تصمیمات معروف به «باری به هر جهت» و مهمتر از همه «نبود استراتژی» نشات می گیرند.

\_ ظرفیت تولید موتورسیکلت در ایران ۷۵ میلیونی بیش از دوبرابر چین ۱۵ میلیاردی است!

\_ ظرفیت تولید فرش ماشینی ما برابر با نیاز کل دنیا است!

\_ ظرفیت کارخانه های تولید رب در کشور ما به اندازه ای است که می تواند تمام محصولات گوجه فرنگی خاورمیانه را هم جوابگو باشد!

وضعیت تولید کارخانجات فولاد و خودرو سازی و مرغداری ها هم ناگفته پیداست. و این تصویر مینیاتوری از واقعیت پنهان و زیر پوست صنعت و تولید ماست. چرا که برخی افراد با بهره گیری از رانت های پیدا و پنهان بدون توجه و حساسیت نسبت به آینده صنعت و شغلی که می خواهند در آن حوزه فعالیت نمایند اقدام به راه اندازی واحدی کرده اند که اکنون دیگر توان اداره و سر پا نگه داشتن آنرا به دلیل قیمت بالای نهاده ها و مواد اولیه و نبود بازار های لازم ندارند. وقتی بدون داشتن نقشه راه و برنامه و صرفا با تفکر سلیقه ای و اهداف شخصی، واحدی کوچک و بی برنامه تاسیس می شود نباید انتظار داشت که چشم انداز روشنی را برای صنعت مان ترسیم کرد.

اما موضوع به همین جا ختم نمی شود. استاندار آذربایجان شرقی هم از نبود همین برنامه مدون ابراز نارضایتی کرده و با اشاره به کاهش سهم ارزش افزوده استان های شمال غرب در بخش صنعت و معدن در یک دهه گذشته یادآور می شود: در حالی که ارزش افزوده این بخش در سال ۷۹ معادل ۴۴ درصد بود این رقم در سال ۸۹ به ۴۱ درصد کاهش پیدا کرد.

وی نیم نگاهی نیز به سایر شاخص های توسعه دارد و می گوید: ارزش افزوده بخش کشاورزی از ۱۴۱ درصد در سال ۷۹ به ۱۳۶ درصد در سال ۸۹ درصد تنزل یافته و در بخش خدمات نیز این رقم از ۹۱ درصد به ۷۶ درصد کاهش پیدا کرده است!

رحمانی نماینده ی متصف به صنعتگران تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی اما با ارایه آمار دیگری از وضعیت اقتصادی و صنعتی آذربایجان شرقی اظهار می کند: این استان از نظر رشد صنعتی در سال ۵۶ رتبه دوم کشور را در اختیار داشت که این رقم در سال ۷۴ به ۱۷ تنزل یافت!

با کنار هم چیدن این اظهارات و موضع گیری ها که در مورد راستی و صحت آنها به دلیل انتساب شان به شخصیت های مطرح و قابل وثوق،

هرگز نمی توان تردید داشت پازل پس رفت استان از نظر شاخص های تولیدی و صنعتی تکمیل می شود. حالا دیگر چراغ به دست گرفتن و دنبال مقصر گشتن در مقطع کنونی دردی را دوا نمی کند. اما به سادگی می توان به این نتیجه رسید که علت اصلی عقب ماندگی استان های شمالغرب در نبود استراتژی های مدون صنعتی و نبود برنامه های جامع بلند و میان مدت است. شاید عامل مهمتر دیگری را برای این ضعفها برشمرد و آن دلسرد کردن سرمایه داران آذربایجان است. متأسفانه دست به اتهام زنی ما چه دولتی و چه مردم کوچه و بازار بسیار خوب است! سرمایه گذاران معروف آذربایجان را تاکنون چند بار ترور شخصیت کرده ایم؟ آیا فکر کرده ایم که پویایی صنعت فولاد منطقه شمالغرب کشور مدیون تلاش های صادقانه او و همکاران اوست؟ حال اگر خبط و خطایی کوچک هم در این میان صورت گرفته محاکم قضایی بر اساس اسناد و ادله ی محکمه پسند باید به آنها رسیدگی کنند اما پیش از اثبات آن اتهامات واهی، ما مردم کوچه و بازار و برخی مدیران تازه به دوران رسیده ی شهرت طلب، تیشه به ریشه ی صنعت استان زدند تا از نمد اتهام زنی به صنعتگران صادق استان، کلاهی از شهرت و منفعت برای خویش بدوزند.

با این اوصاف، باید به صراحت اذعان کرد که در کنار ارج نهادن به تلاش های صادقانه و شبانه روزی صنعتگران و تولیدکنندگان دلسوز آذربایجان، به ساختار واحدهای تولیدی و صنعتی ما، توجهی اساسی شود چرا که آنها نیازمند برنامه ای سیستماتیک و ایجاد تحولی اساسی در وضعیت فعالیت خود هستند. ضمن آنکه همه ی مدیران و برنامه ریزان و قانون گذاران باید از این پس همان «استراتژی صنعتی» را در اعطای مجوز های راه اندازی و تاسیس واحدها مد نظر قرار دهند.

**محمد امین خوش نیت**